

راهکارهای دولت برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک

نوید دهقانی
پژوهشگر

ضرورت حمایت از کسب‌وکارهای کوچک به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور، موضوعی است که در سال‌های اخیر به‌شدت موردتوجه قرار گرفته است.

کسب‌وکارهای کوچک نه‌تنها به ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری کمک می‌کنند، بلکه نقش مهمی در تنوع اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری دارند. این نوع کسب‌وکارها به‌دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق با تغییرات بازار، می‌توانند به‌سرعت به نیازهای مشتریان پاسخ دهند و نوآوری را در اقتصاد ترویج کنند. با این‌حال، کسب‌وکارهای کوچک با چالش‌های متعددی مواجه هستند که می‌تواند به بقای آن‌ها آسیب بزند. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به دسترسی محدود به منابع مالی، نبود زیرساخت‌های مناسب، و عدم توانایی در رقابت با شرکت‌های بزرگ اشاره کرد. بنابراین، حمایت از این کسب‌وکارها به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌شود. دولت‌ها می‌توانند با اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای مناسب، به حمایت از کارآفرینی و کسب‌وکارهای محلی بپردازند.

یکی از راهکارهای اصلی دولت‌ها برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، ارائه تسهیلات مالی و اعتباری است. این تسهیلات می‌تواند شامل وام‌های کم‌بهره، کمک‌های مالی یا تسهیلات مالیاتی باشد. با ارائه این‌نوع حمایت‌ها، کسب‌وکارهای کوچک می‌توانند به‌راحتی به منابع مالی دسترسی پیدا کنند و به سرمایه‌گذاری در توسعه و گسترش فعالیت‌های خود بپردازند. همچنین، دولت‌ها می‌توانند با ایجاد صندوق‌های حمایتی، به تامین مالی کسب‌وکارهای نوپا و استارت‌آپ‌ها کمک کنند. این صندوق‌ها می‌توانند به‌عنوان یک منبع مالی پایدار برای کارآفرینان عمل کنند و ریسک‌های مالی را کاهش دهند. علاوه بر تسهیلات مالی، دولت‌ها باید به ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای کسب‌وکارهای کوچک توجه کنند. این زیرساخت‌ها شامل ایجاد فضاهای کاری مناسب، دسترسی به اینترنت پرسرعت، و فراهم کردن امکانات آموزشی و مشاوره‌ای برای کارآفرینان است. با ایجاد این زیرساخت‌ها، کسب‌وکارهای کوچک می‌توانند به‌راحتی فعالیت‌های خود را آغاز کنند و در بازار رقابت کنند. همچنین، دولت‌ها می‌توانند با ایجاد شبکه‌های حمایتی و همکاری‌های بین کسب‌وکارها، به تبادل تجربیات و اطلاعات بین کارآفرینان کمک کنند. یکی دیگر از راهکارهای دولت برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، کاهش بار مالیاتی و تسهیل فرآیندهای اداری است. با کاهش مالیات‌ها و ساده‌سازی فرآیندهای ثبت‌نام و مجوزها، کسب‌وکارهای کوچک می‌توانند با هزینه‌های کمتری فعالیت کنند و زمان بیشتری را برای توسعه کسب‌وکار خود صرف کنند. همچنین، دولت‌ها می‌توانند با ارائه مشاوره‌های حقوقی و مالی به کارآفرینان، به آن‌ها کمک کنند تا با چالش‌های قانونی و مالیاتی مواجه نشوند.

دولت‌ها باید به ترویج فرهنگ کارآفرینی و تشویق جوانان به راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک توجه کنند. این امر می‌تواند از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی، کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های مشاوره‌ای انجام شود. با ایجاد انگیزه و فراهم کردن امکانات لازم، جوانان می‌توانند به سمت کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک سوق داده شوند.

حمایت از کسب‌وکارهای کوچک به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور مطرح است. دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای مناسب می‌توانند به حمایت از کارآفرینی و کسب‌وکارهای محلی بپردازند و به ایجاد یک اقتصاد پایدار و رقابتی کمک کنند. این حمایت‌ها نه‌تنها به بهبود شرایط اقتصادی کشور کمک می‌کند، بلکه به افزایش رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی افراد نیز منجر می‌شود. درنتیجه، توجه به کسب‌وکارهای کوچک و حمایت از آن‌ها باید در اولویت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار گیرد تا بتوان به توسعه پایدار و متوازن دست‌یافت. در نهایت اینکه در شرایط کنونی اقتصاد، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک باید از سطح توصیه و سیاست‌گذاری کلی فراتر رفته و به مجموعه‌ای از اقدامات عملی و قابل سنجش تبدیل شود. تجربه نشان داده بسیاری از بنگاه‌های کوچک نه به دلیل نبود ظرفیت تولید یا ضعف ایده، بلکه به دلیل انباشت منابع اداری، دشواری تامین مالی، افزایش هزینه‌های تولید و نبود ثبات در مقررات، از ادامه مسیر بازمی‌مانند. از این‌رو، سیاست حمایتی موثر باید پیش از آنکه بر پرداخت‌های مقطعی و تسهیلات کوتاه‌مدت متکی باشد، بر ایجاد محیطی باثبات برای فعالیت اقتصادی تمرکز کند.

در این چارچوب، پیش‌بینی‌پذیر شدن مقررات، کاهش زمان دریافت مجوزها، دسترسی آسان‌تر به منابع مالی و کاهش هزینه‌های غیرضروری می‌تواند فضای فعالیت بنگاه‌های کوچک را به شکل محسوسی بهبود دهد. همچنین لازم است سیاست‌های حمایتی میان بنگاه‌های کوچک و بزرگ متناسب با ظرفیت و نیاز آنها طراحی شود؛ زیرا ابزارهای حمایتی یکسان، الزاماً پاسخگوئی تفاوت‌های ساختاری این دو گروه نیست.

در نهایت، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک زمانی می‌تواند به نتیجه برسد که دولت به جای مداخله مستقیم در فعالیت بنگاه‌ها، بر رفع موانع و ایجاد شرایط رقابتی تمرکز کند. در چنین شرایطی، کسب‌وکارهای کوچک می‌توانند از یک بخش آسیب‌پذیر اقتصاد به یکی از پیشران‌های اشتغال، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبدیل شوند.

گفت و گو

editor@smtnews.ir

پژوهشگر حوزه صنعت در گفت و گو با ماهنامه

صنایع کوچک در نبرد بزرگ برای بقا می‌جنگند



تلاطم‌های ناشی از جنگ تبدیل به یک هرج و مرج تمام عیار صنعتی شود.
● بسیاری واحدهای کوچک می‌گویند مسئله

دیگر رشد کردن نیست، بلکه تعطیل نشدن است. آیا سیاست‌گذاری اقتصادی ما این تغییر را پذیرفته و متناسب با آن عمل می‌کند؟

متاسفانه سیاست‌گذاران و برخی مسئولان نه‌تنها دیگر از این مرحله برای صنایع کوچک گذشته‌اند، بلکه به راحتی شرایط را برای تعطیلی صنایع بزرگی همچون خودروسازی‌ها فراهم می‌کنند. نمونه آن واردات از مناطق آزاد و واردات بدون نظارت و گسترده انواع خودرو توسط افراد شرکت‌های متفرقه و بدون پیش‌بینی پیامدهای بعدی آن. برخی از مسئولان چنان به چنین صنایعی می‌تازند که انگار دشمنی دارند. اصلاً نمی‌توانم رفتار آنها را درک کنم. اینکه مردم از صنعتی مانند صنعت خودرو متفرق هستند، یک بحث است و اینکه مسئولانی که موظف به اصلاح این صنعت هستند، به جای قبول مسئولیت و ارائه راه‌حل‌ها، مشغول تخریب آن هستند، یک موضوع غیرقابل قبول. چطور می‌توان قبول کرد که وزیری که مسئولیتش توسعه صنعت است، سال گذشته تعرفه‌های تولید داخل را بالاتر از تعرفه خودروهای وارداتی گذاشت. جالب اینجاست که مسئولان اقتصادی با آن مخالفت کردند، اما وزیر مربوطه آن قدر اصرار کرد تا بالاخره در آبان ماه حرف خود را به کرسی نشاند. خود همین واقعیت نشان از بلاتکلیفی مصنوعی است که مسئولان مسبب آن بودند و مسئولیت‌ناپذیری در مقابل مشکلاتی که خودشان مسئول رفع آن هستند.

● اگر بخواهیم از امروز سخت اقتصاد عبور کنیم، صنایع کوچک چه نقشی می‌توانند در حفظ اشتغال، تولید و تاب‌آوری اقتصاد داشته باشند؟ به‌نظر شما بزرگ‌ترین خطری که امروز بقای این بخش را تهدید می‌کند چیست؟

اصولاً در تمام دنیا اشتغال عمدتاً توسط صنایع کوچک و متوسط ایجاد می‌شود. اما پایه آن حرکت درست صنایع بزرگ است که آن هم منوط به سیاست‌گذاری‌های کلان درست سیاست‌گذاران است. نمونه آن را در امریکای امروز مشاهده می‌کنید. صنایع امریکا در جنگ با چین در حال شکست خوردن هستند، اما سیاستمداران جنگ تعرفه‌ای راه می‌اندازند. آنها برای اینکه صنایع خود رونق بگیرند و جلوی صنایع چین را بگیرند، حتی آمادگی دارند جنگ راه بیندازند. نمونه آن حمله به ونزوئلا و ایران است.

البته در ونزوئلا ۲۴ ساعته پیروز شد، ولی در مورد ما ظاهر موفق نشدند. اما اگر خوب نگاه کنید، الان دارد صنایع نظامی خود را حسایی رونق می‌دهد. ولی مسئولان صنعتی ما در همین وضعیت دنبال کاهش تعرفه‌ها و انداختن فقرش قرمز جلوی دلان منطقه‌ای و چینی هستند. جالب نیست، در حالی که امارات در این جنگ به‌طور مستقیم با ما وارد جنگ شد، باز هم در حال معامله با او هستیم.

کلیت سوال شما این است که آیا صنایع کوچک کاری می‌توانند انجام دهند یا خیر. در این حالت باید بگویم جواب عملاً منفی است. این صنایع همین که بتوانند تا آخرین لحظات ممکن تاب بیاورند و اشتغال و ارزش‌آفرینی خود را حفظ کنند، ما خیلی ممنون‌دار آنها خواهیم بود. یک راه‌حل وجود داشت و اینکه صنایع کوچک در زمینه‌های مختلف، باهم جمع شوند و با هم برنامه‌ریزی کنند و هم‌افزایی ایجاد کنند. اما متاسفانه در این زمینه هم ما خیلی ضعیف هستیم. تورم مزمن چندین ساله، اخلاق همکاری را به‌شدت کاهش داده است و بیشتر جوامع صنعتی ما که در قالب انواع انجمن‌ها و محافل صنفی شکل گرفته بودند، امروزه فقط یک ظاهر دارند که یکسری افراد که هیچ هدف مشترکی ندارند جز بقا خودشان، دور هم می‌نشینند و هر کسی حرف خود را می‌زند و چای و شیرینی می‌خورند و می‌روند دنبال کار خود. کاشکی می‌شد در این موقعیت دل‌ها را به هم نزدیک کرد و به هم گفت که این دوران سخت تنها با همکاری قابل عبور است.

وضعیت برخی روی یکسری اصول خود پافشاری می‌کنند و نه‌تنها باقی می‌مانند، بلکه رشد هم می‌کنند. به یاد دارم حدود ۲۵ سال پیش چینی‌ها به‌شدت به صنعت پوشاک و کفش و کارخانجات کفش ما نابود شد. اما بسیاری از کفاشی‌ها و کارخانجات کفش ما نابود شدند. اما همزمان برخی که روی کیفیت خیلی حرف‌های پافشاری کردند، امروز از آن طوفان بزرگ سربلند بیرون آمدند. قطعاً خون‌دل‌ها خورده‌اند و از خود و حتی خانواده خود مایه گذاشتند. البته تاکید می‌کنم که روش‌های تولید و فرآیندها قطعاً همان فرآیندهای قبل از آن هجوم بزرگ نماند. اگر از این حرف‌های امیدوارکننده بگذریم و بخواهم درباره اکثریت جامعه صحبت کنم، باید بگویم که شرایط فعلی بسیار بد است و به هیچ عنوان امکان بقا برای اکثریت وجود ندارد. چراکه همزمان یکسری شرکت‌های غول در چنین چالشی برای خود برنامه‌ریزی کرده‌اند و سهم خود را از بازارهایی که در حال کوچک شدن است، بالا می‌برند. آنها هم سرمایه بالاتری دارند و هم تیم‌های قوی‌تری. بدون شک در این شرایط، کسب‌وکارهای کوچک بسیار تحت تنش قرار می‌گیرند. این موضوع به خوبی درباره صنایعی مانند خرده‌فروشی و رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها مشاهده می‌شود. آنها که کافی‌شاپ را یک صنعت می‌بینند و سرمایه‌گذاری صنعتی می‌کنند، به‌تدریج آنهایی که یک مغازه را به روشی سنتی مدیریت می‌کنند، کنار خواهند زد. این وسط امکان دارد مغازه‌داری یک منوی خیلی حرفه‌ای داشته باشد که یک فروشگاه زنجیره‌ای نتواند او را از بین ببرد. قطعاً این مغازه‌دار باید خیلی خلاق و سختکوش باشد و البته خود را در این شرایط دائماً امیدوار نگه دارد.

● در شرایط جنگ و بحران، کدام حمایت از صنایع کوچک واقعاً حیاتی است: تسهیلات بانکی، معافیت و تخفیف مالیاتی، تثبیت بازار و ارز، یا کاهش بروکراسی؟ اگر قرار باشد فقط یک اقدام فوری انجام شود، اولویت شما چیست؟

به نظر من، اگر بخواهد دولت و حاکمیت کاری کند، مهم‌ترین عامل تعیین‌تکلیف‌های اساسی است. یعنی چه؟ فرض کنید در یک کشتی هستیم که در یک طوفان بزرگ گرفتار شده است. اگر کاپیتان کشتی وسط طوفان بخواهد پست‌ها را جابه‌جا کند یا مثلاً از تیم آشپزی بخواهد مانند یک شب آرام، شام را آماده کنند، قطعاً افراد آن کشتی با چالش‌های اضافه‌تری روبه‌رو می‌شوند. یا چرا راه دور می‌رویم. کشتی تایتانیک را به یاد بیاورید. کاپیتان کشتی ابتدا کل ماجرا را انکار کرد. مهندس کشتی باور نکرد. محاسبات هم غلط از آب درآمد و دیر به همه افراد اعلام کردند. روی موفقیت آن کشتی آنقدر تبلیغ غلط شده بود که حتی کشتی نزدیک آنها پیام‌های کمک ارسالی را ساور نکرد و منورها را به حساب جشن گرفتن گذاشت. وضعیت ما و مسئولان ما در حال حاضر تقریباً یک چنین چیزی است؛ یعنی مسئولان دائماً امیدواری‌های الکی می‌دهند و حتی اطلاعات غلط مخابره می‌کنند. مثلاً رئیس‌جمهوری دستور می‌دهد برق شهرک‌های صنعتی از دو روز در هفته، یک روز در هفته قطع شود. مسئولان زیر دست هم چشمی می‌گویند و ظاهراً قطعی برنامه‌ریزی شده به یک روز کاهش می‌یابد. حالا ما می‌مانیم و قطعی‌های بی‌برنامه که بدتر از قطعی‌ها با برنامه است. مثال دیگر، نرخ برق است. واقعاً نرخ برقی برای صنعت چقدر است؟ اگر قرار است گران شود، خوب گران کنند و آن را قابل برنامه‌ریزی کنند. اما حتی همین یک کار که کاملاً دست دولت است، روشن و به‌موقع انجام نمی‌شود.

همین وضعیت درباره سهمیه گازوییل صنایع و نرخ آن هم مطرح است. پس درست است وسط جنگ هستیم و کمبودها زیاد است، اما برخی دولت‌مداران و ارکان حاکمیت هم خیلی خوب عمل نمی‌کنند. البته از آنها ممنونیم که وسط جنگ هیچ کمبود کالایی در خواربارفروشی‌ها احساس نکردیم. اما واقعیت این است که نباید این موضوع بهانه‌ای باشد برای ترک فعل‌ها و عدم‌تصمیم‌گیری‌های مهم یا مانع‌تراشی‌های غلط برای صنایع کوچک، متوسط و حتی بزرگ. در حالی که ستاد تسهیل تصمیمات مهمی می‌گیرد، مسئولان همین که از آن جلسات بیرون می‌آیند، می‌زنند زیر میز و کار دیگری می‌کنند. این موارد که کم هم نیستند، باعث می‌شود

● در شرایطی که گرانی، تورم، بی‌ثباتی اقتصادی و نااطمینانی حتی تصمیم‌های روز‌مره مردم را سخت کرده، صنایع کوچک امروز واقعاً در مسیر توسعه‌اند یا صرفاً برای زنده ماندن و بقا می‌جنگند؟

قطعاً جواب فقط بنافاست، چراکه صنایع بزرگ که معمولاً مایه ثبات مسیر اقتصاد صنعتی هستند، تحت چالش‌های بزرگی هستند. متاسفانه اقتصاد به‌شدت تحت تلاطم و البته از آن مهم‌تر بلاتکلیفی است. به نظر من در شرایط کنونی بلاتکلیفی بدتر از کمبودهاست. حتی بدتر از تورم است. شخصاً کسانی را می‌شناسم که در همین وضعیت بسیار بد در حال حرکت به سمت اهداف بزرگ هستند. بدیهی است وقتی تعداد متغیرها زیاد باشند، ریسک بالا می‌رود و بیشتر حرکت شبیه قماربازی می‌شود. به هر حال در شرایطی که زلزله می‌آید، نمی‌توان همین‌طور ایستاد و منتظر آوار بر سر خود ماند. ل بدیهی است بسیاری از صنایع کوچک و متوسط در این شرایط دوام نخواهند آورد، اما در همین زمان شاهد ظهور سازمان‌هایی خواهیم بود که حتی می‌توانند یک نفره باشند، اما سهم بزرگی از بازاری را به‌دست آورند. بستگی به شجاعت، خلاقیت و البته نهایت شانس هم دارد. ضمناً باید یک نکته مهم را هم یادآوری شود که هر وقت زلزله‌ای می‌آید، یا جنگی آتش می‌گیرد، بعدش اتفاقات خوب جدیدی هم رخ می‌دهد و فرصت‌ها بروز می‌کنند. اما به قول لویی پاستور شانس سراغ آدم‌هایی می‌آید که لیاقت دریافت آن را پیدا کرده‌اند. دین اسلام هم به این موضوع اذعان دارد که خداوند دائماً انسان‌ها را امتحان می‌کند و دائماً دره‌ای را می‌پندد و دره‌ای جدیدی باز می‌کند. اما کسانی که آمادگی دریافت برکات الهی را دارند، می‌توانند به‌موقع جذب کنند. البته منظورم این نیست که هر که ورشکسته می‌شود یا از عرش به فرش می‌نشیند، لزوماً آدم بی‌لیاقتی بوده است. اما می‌توانم بگویم که قطعاً برعکس درست است. یعنی کسانی که در چنین شرایطی بالا می‌روند، لیاقتی را در خود تقویت کرده‌اند. شاید این جمله من به این صورت تعبیر شود که معنی‌اش این است که این لیاقت در مسیر درستی است. خیر. افراد که از وضعیت تورمی استفاده می‌کنند و مثلاً با احتکار یک‌شبه پولدار می‌شوند، به هر حال لیاقتی در این دنیا دارند که آمادگی خود را برای فروش آن دنیا به این دنیا را نشان می‌دهد. این را هم بگویم که در همین شرایط بسیار اسفناک افرادی هم هستند که با خلاقیت خود محصول یا خدمتی را به جامعه ارائه می‌دهند که نه‌تنها این دنیا، بلکه آن دنیا را هم دارند. پس صفر و یکی نیست. اما از نظر آماری قطعاً اکثریت ترازو شکست‌خورده‌ها خواهند بود. اما این به معنی این نیست که ما با رشد و توسعه برخی از این هزاران شرکت روبه‌رو نخواهیم شد. ماجرای همان بیل فروشی است که در جریان هجوم جویندگان طلا به امریکا میلیاردر شد.

● وقتی هزینه مواد اولیه، دستمزد، انرژی، حمل‌ونقل و تأمین مالی مدام تغییر می‌کند، یک واحد صنعتی کوچک چگونه می‌تواند برای ماه آینده برنامه‌ریزی کند؟ آیا اساساً امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای این بنگاه‌ها باقی مانده است؟

واقعیت این است که بازی پوکر به‌هیچ‌وجه مانند بازی فوتبال نیست. اصولاً زمین و قواعد بازی فرق می‌کند. ارزش‌ها هم فرق می‌کند. پس تاکید می‌کنم که باید نحوه نگاه به برنامه‌ریزی تغییر کند. شما حتی درباره صنعتی مانند صنعت خودرو مشاهده می‌کنید که این صنعت در دنیا با سرعت زیادی در حال تغییر است. ضمن اینکه گفته شما را تایید می‌کنم و اطمینان می‌دهم که اکثریت نمی‌توانند باقی بمانند و روز به روز تحلیل خواهند رفت، اما در همین شرایط برخی رشد خواهند کرد. با چه ابزاری و با چه روشی؟ قطعاً سرمایه‌گذاری همه‌جانبه و خلاقیت و رصد دائمی وقایع. این روزها دقت کرده‌اید چقدر تعداد دستفروش کنار خیابانی زیاد شده است؟ قطعاً این خبر خوبی نیست، چراکه معنی‌اش این است که آن فروشنده‌ای که مغازه اجاره کرده و مالیات و عوارض می‌دهد، با چالش جدی رقابت نابرابر روبه‌رو می‌شود. اما آیا به این معنی است که همه مغازه‌داران ورشکسته می‌شوند؟ نه. در همین

شهاز صفایی
editor@smtnews.ir



متاسفانه برخی مسئولان به راحتی شرایط را برای تعطیلی صنایع بزرگی همچون خودروسازی‌ها فراهم می‌کنند



یک راه‌حل وجود داشت و اینکه صنایع کوچک در زمینه‌های مختلف، باهم جمع شوند و با هم برنامه‌ریزی کنند و هم‌افزایی ایجاد کنند